
بررسی میزان انعطاف در تفکر فلسفی دانش آموزان تیزهوش (مطالعه موردی: دانش آموزان سال سوم متوسطه شهر زاهدان)

ناصر زورقی^۱، عزت الله نادری^۲، مریم سیف نراقی^۳، محمد چلاجور^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان انعطاف در تفکر فلسفی دانش آموزان تیزهوش سال سوم متوسطه شهر زاهدان بر مبنای نظریه ذهنیت فلسفی اسمیت می باشد. تحقیق حاضر از نظر ماهیت و روش، توصیفی از نوع پیمایشی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر تعداد ۳۶۰ نفر از دانش آموزان تیزهوش سال سوم متوسطه نظری زاهدان در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ می باشد که تعداد ۱۸۰ نفر با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شده اند. ابزار پژوهش پرسشنامه استاندارد ذهنیت فلسفی کمیلی (۱۳۸۱) می باشد که روایی ابزار پژوهش با نظر خبرگان تایید و پایایی ابزار با استفاده از آزمون الفای کرونباخ برابر با ۰/۹۷ محاسبه گردید. یافته ها نشان می دهند که در هر چهار مصداق مورد توجه اسمیت، (رها شدن از جمود روانشناختی، ارزش سنجی افکار و نظریات جدا از منبع آنها، دیدن مسائل با جهات متعدد و شکیبایی در قضاوت های موقتی در وضعیت مطلوبی قرار دارند و به انعطاف در تفکر خویش دست یافته اند.

کلید واژگان: تفکر فلسفی، انعطاف در تفکر، دانش آموزان تیزهوش.

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۱۵

-
۱. دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)
 ۲. استاد پایه ۳۵ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.
 ۳. استاد پایه ۳۵ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.
 ۴. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

مقدمه

تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های بشر در تمامی جوامع است و گسترش روزافزون ساختارهای اجتماعی و نیاز به تربیت و آماده‌سازی افراد برای جامعه در حال رشد، توجه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت را متوجه ماهیت و سازماندهی فرایندهای آموزشی نموده است. در واقع تغییر و تحولات سریع جوامع، تعدد دیدگاه‌ها در خصوص نقش آدمیان در دنیای جدید، و نیاز به نحوه برخورد صحیح با این تحولات مستلزم آموزش و پرورش صحیح و پرورش قدرت استدلال و قضاوت و توانایی مواجهه با مسائل است تا از این طریق فرد بتواند مسیر صحیح را از ناصحیح باز شناسد.

در این راستا لازم است برخی ویژگی‌ها و خصوصیات اساسی که می‌تواند راهنمای فرد در این مسیر باشد مورد توجه قرار گیرد. فیلیپ اسمیت^۱ معتقد است افراد دارای تفکر و مشرب فلسفی دارای سه خصوصیت عمده هستند: جامعیت^۲، تعمق^۳ و قابلیت انعطاف^۴ (اسکندری و کیانی، ۱۳۸۶). مدیر مؤسسه پیشبرد فلسفه برای دانش‌آموزان و کودکان، با در نظر گرفتن این خصایص بیان می‌کند که دوران بزرگسالی برای آموزش مهارت‌های تفکر فلسفی بسیار دیر است و این مهارت‌ها باید در سنین نوجوانی آموزش داده شود تا در بزرگسالی فلسفی اندیشیدن برای افراد به یک عادت تبدیل شده باشد. لیپمن (۱۹۸۸) معتقد است اگر کنجکاوی طبیعی کودکان و نوجوانان برای دانستن را در آنان تقویت کنیم می‌توان آنان را به متفکرینی نقاد، انعطاف‌پذیر و مؤثر تبدیل نمود (رمضانی، ۱۳۸۹)، که در پژوهش حاضر با توجه به گسترده بودن موضوع ذهنیت فلسفی، محقق به بررسی مولفه قابلیت انعطاف در تفکر دانش‌آموزان تیزهوش مقطع متوسطه شهر زاهدان می‌پردازد.

بیان مسئله

^۱Philip Smith

^۲Comprehensiveness

^۳Deliberation

^۴Flexibility

یکی از اهداف هر نظام آموزشی تربیت انسان‌های هشیار و آگاه است. بنابراین لازم است در برنامه های درسی تحقق چنین هدفی مدنظر قرار گیرد. بهتر است برنامه های درسی قدرت و توانایی استدلال و تفکر را در دانش آموزان تقویت نموده، به جای انباشتن حقایق و عقایدی که پیشینیان بیان نموده‌اند، تقویت اندیشه فلسفی را در آنان مورد توجه قرار داده، بر توانایی دستیابی به دانایی و آگاهی تأکید نمایند. در واقع آموزش و پرورش به‌خصوص در خصوص دانش آموزان تیزهوش باید به پرورش دانش آموزانی منجر شود که توانایی بازشناسی عقاید و نظرات صحیح از ناصحیح را دارند و در این راستا استدلال و دلایل مناسبی را به کار می‌گیرند. در غیر این صورت دانش آموز زندگی خود را تحت تأثیر عادات، رسوم و گاه بر مبنای اتفاقات پیش خواهد برد (ضرغامی، ۱۳۸۷).

بنابراین آموزش و پرورش باید درست اندیشیدن درباره اندیشه‌ها را به دانش آموزان بیاموزد و آنان را طوری تربیت کند که هدفمند و آینده نگر باشند و در تعبیر و تفسیر مسائل به قضاوت درست بپردازند.

حدود چهار دهه پیش زمانی که ماتیو لیپمن به مهارت‌های سطح پایین دانشجویان در دانشگاه و راه حل آن می‌اندیشید، متوجه شد اعتراض‌هایی میان مسئولان دانشگاه و دانشجویان وجود دارد که حاکی از عدم انعطاف پذیری و عدم رجوع به عقل و استدلال توسط آنان است. بنابراین وی به این فکر افتاد که برنامه ای به منظور بهبود توانایی استدلال، قضاوت و اندیشیدن در دانش‌آموزان طراحی کند تا آنها را از سال‌های آغازین زندگی با مفاهیم و ایده‌های فلسفی آشنا نموده، کاربرد آنها را در زندگی به دانش آموزان بیاموزد (صفایی مقدم و نجاریان، ۱۳۸۵). بدین ترتیب برنامه درسی فلسفه برای کودکان در سال ۱۹۷۰ توسط ماتیو لیپمن و همکارانش در مؤسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان شکل گرفت و هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای جهان در حال اجرا است. وی بنیاد برنامه درسی خود را بر پرورش ذهنیت فلسفی بنا نهاده، درصدد پرورش ابعاد مختلف این تفکر در دانش‌آموزان است (اسکندری و کیانی، ۱۳۸۶). فیلیپ اسمیت (۱۳۸۲) برای ذهنیت فلسفی سه بعد را مطرح می‌نماید که در اینجا توصیف مختصری را از آنها ارائه می‌گردد:

۱. جامعیت: در تمام زندگی آنچه خاص و فوری است راهی برای ایجاد فشار بر انسان دارد و آن تقاضا برای حل شتاب زده است. این ویژگی درصدد است تا انسان را طوری پرورش دهد که بتواند در برابر فشار آنی و موارد خاص مقاومت نموده و مسائل را براساس هدف

های درازمدت بنگرد. در این راستا لازم است فرد قدرت تعمیم خلاق را به دست آورده و به کار برد. بدین منظور باید در تفکرات عمیق نظری شکیبنا باشد.

۲. تعمق: فرد دارای ذهنیت فلسفی با مقاومت در برابر فشار امر واضح آنچه را دیگران بدیهی می‌پندارند مورد سوال قرار داده، از تعصبات جاهلانه و جانبداری‌های شخصی دوری می‌کند. چنین فردی نظریات و افکار اساسی را مورد ملاحظه قرار می‌دهد و به دنبال کشف اصول اساسی در شکل‌گیری یک موقعیت است. فرد دارای ذهن فلسفی با استفاده از تفکر آنچه را که به صورت عادت پذیرفته شده کنار گذاشته و تفکراتش را بر یک جریان فرضیه استنتاجی - قیاسی بنا می‌نهد.

۳. قابلیت انعطاف: آزادی از جمود روانشناختی نشانه‌ای از ذهنیت فلسفی است. افراد دارای ذهنیت فلسفی معمولاً در موقعیت‌های جدید رفتار مناسبی بروز می‌دهند، زیرا هدف-های درازمدت و عقاید اصولی را مدنظر قرار می‌دهند. چنین فردی عقاید را فارغ از منبع آنها سنجیده و مورد ارزیابی قرار می‌دهد. افراد دارای ذهن فلسفی با فهم تفاوت میان متضادها و متناقضات کامل می‌توانند مسائل را از چند جنبه مورد توجه قرار دهند. از سوی دیگر چنین فردی مایل است در موقعیتی مبهم دست به اقدام زند زیرا معتقد است می‌توان ابهام را به طریقی حل کرد که موقعیت مذکور را هماهنگ با اهداف انسان سازد (رمضانی، ۱۳۸۹).

با توجه به اینکه تمرکز محقق بر بعد قابلیت انعطاف می‌باشد، لذا در این قسمت اطلاعات مربوط به ابعاد قابلیت انعطاف و مصداق‌های آن در برنامه درسی دانش‌آموزان تیزهوش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قابلیت انعطاف:

الف) رها شدن از جمود روانشناختی: افراد دارای ذهن فلسفی در موقعیت‌های تازه و ندیده کمتر رفتار نامناسب از خود بروز می‌دهند زیرا به هدف‌های درازمدت توجه دارند (اسمیت، ۱۳۸۲: ۹۱).

در خصوص افزایش مهارت فوق، در دانش‌آموزان تیزهوش باید به‌گونه‌ای باشد که آمادگی برخورد معقول با مشکلات را داشته باشند و بتوانند از مهارت‌های سطح بالای فکری استفاده نمایند (مرعشی، ۱۳۸۶). آنها باید یاد بگیرند که در هر مرحله از زندگی چالش‌های مناسبی با آن مرحله داشته باشند و با کنترل خویش در موقعیت‌های خاص و تلاش برای انتخاب راه حل

صحیح و عاقلانه واکنش‌های خود را طوری ترتیب دهند که متناسب با برنامه زندگی و در جهت تحقق اهداف باشد (قائدی، ۱۳۸۳).

بدین ترتیب در برنامه درسی دارای قابلیت انعطاف، دانش‌آموزان قادر می‌شوند که در موقعیت‌های جدید واکنش مناسبی نشان داده، رفتارهای خود را براساس اهداف آینده شکل دهند.

ب) ارزش‌سنجی افکار و نظریات جدا از منبع آنها: فرد دارای ذهن فلسفی عقاید و افکار را فارغ از گوینده آنها مورد قضاوت و ارزشیابی قرار می‌دهد. اگرچه توجه به منبع یک نظر می‌تواند در کمک به فهم معنا موثر باشد، اما فردی که به ارزشیابی از عقیده‌ای می‌پردازد باید بتواند از واکنش‌های هیجانی درباره منبع که بر قضاوت درباره نظر تأثیر می‌گذارد دوری کند (اسمیت، ۱۳۸۲). دانش‌آموزان تیزهوش به طور طبیعی مجذوب نگرش‌ها و عقاید افراد مهم می‌شوند. اما همان‌طور که نقیب زاده (۱۳۷۷) اشاره می‌کند، با تأکید بر اندیشیدن و عدم پای بندی به عقاید دیگران، فلسفه در مسیر حقیقی خود قرار گرفته و آن را باز می‌یابد. در واقع یک شرط ضروری برای فعالیت فلسفی رها شدن از باورهای به یاد ماندنی و پیش فرض‌هایی است که به طور محکمی در عادت‌های فکری انسان ریشه دوانده است (قائدی، ۱۳۸۲). در این راستا یکی از مهارت‌هایی که در برای کودکان تیزهوش باید مورد توجه باشد، عدم پایبندی بدون دلیل به عقاید دیگران است. لیپمن (۱۹۸۸) معتقد است فیلسوف کسی است که فلسفی اندیشه کند. سقراط نیز که اصول برنامه درسی برای دانش‌آموزان و کودکان بر بنیاد اندیشه‌های وی بنا نهاده شده است، در پی سنجش خردمندانه آرا بود. بنابراین یکی از مهارت‌هایی که در فلسفه برای دانش‌آموزان تیزهوش باید مورد توجه قرار گیرد، پرهیز از جزم‌اندیشی است. در این راستا دانش‌آموز باید بتواند عقاید را فارغ از گوینده سخن تحلیل نماید.

ج) دیدن مسائل با جهات متعدد تا دو جهت و ایجاد جانشین‌هایی برای فرضیه، توضیحات و جنبه‌های مورد نظر: فرد دارای ذهن فلسفی توانایی این را دارد که مسائل را از جهات متعدد مورد توجه قرار دهد. همچنین چنین فردی مراقب تفاوت میان متضادها و متناقض‌ها است و برای این منظور تعداد نسبتاً زیادی فرضیه برای جنبه‌های مورد نظر را تنظیم و مورد ملاحظه قرار می‌دهد (اسمیت، ۱۳۸۲).

در این برنامه، دانش‌آموز توانایی این را می‌یابد که شقوق مختلف را بررسی کند، ارتباط بین آنها را درک کند، عواقب این ارتباطات را مورد بررسی قرار دهد و مسائل مجزا و پراکنده را

در ارتباط با هم درک نماید (لیمپن، ۱۹۸۰). همچنین تلاش می‌شود تا دانش آموزان بتوانند در ارائه فرضیات، هماهنگی و انسجام را رعایت نموده، تضادها و تناقضات را مورد توجه قرار دهند (جهانی، ۱۳۸۶).

د) **احتراز از پیش داوری و قضاوت سریع:** فرد دارای ذهن فلسفی از اضطراب هیجانی پرهیز نموده و می‌کوشد تا با کنجکاوی عقلانی ابهامات را برطرف نمایند. چنین فردی توانایی این را دارد که در شرایط مبهم دست به عمل بزند و ابعاد مختلف موضوع را بررسی نموده، با آزادی عمل ابهام را حل نماید و از پیش داوری و قضاوت سریع پرهیز نماید (اسمیت، ۱۳۸۲).
فلسفه برای دانش‌آموزان تیزهوش برنامه‌ای است جهت کمک به آنها برای اینکه فراتر از اطلاعات موجود رفته و با کنجکاوی، با نادانسته‌ها برخورد کنند. این برنامه در تلاش است تا مهارت جستجوگری و کاوش در موقعیت‌های ناشناخته را در دانش‌آموزان تقویت نماید (قائدی، ۱۳۸۳).

با توجه به ابعاد فوق الذکر محقق در پی پاسخ به فرضیات ذیل می‌باشد:

فرضیه اصلی:

میزان انعطاف در تفکر فلسفی دانش‌آموزان تیزهوش سال سوم متوسطه شهر زاهدان در حد مطلوب است.

فرضیات فرعی:

۱. رها شدن از جمود روانشناختی در دانش‌آموزان تیزهوش سال سوم متوسطه شهر زاهدان در حد مطلوب است.
۲. ارزش‌سنجی افکار و نظریات جدا از منبع آنها در دانش‌آموزان تیزهوش سال سوم متوسطه شهر زاهدان در حد مطلوب است.
۳. دیدن مسائل با جهات متعدد در دانش‌آموزان تیزهوش سال سوم متوسطه شهر زاهدان در حد مطلوب است.
۴. احتراز از پیش داوری و قضاوت سریع در دانش‌آموزان تیزهوش سال سوم متوسطه شهر زاهدان در حد مطلوب است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - پیمایشی می باشد. در این پژوهش محقق به بررسی وضعیت انعطاف در تفکر فلسفی دانش آموزان تیزهوش از دیدگاه فیلیپ اسمیت در برنامه درسی فلسفه برای دانش آموزان تیزهوش که توسط ماتیو لیپمن طراحی شده است، پرداخته است. جامعه آماری پژوهش شامل ۳۶۰ نفر از دانش آموزان مشغول به تحصیل در کلاس سوم متوسطه مدارس تیزهوشان می باشند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۸۰ نفر از آنها به عنوان نمونه آماری به روش تصادفی خوشه‌ای، شش کلاس (۳ کلاس دخترانه و ۳ کلاس پسرانه) به تعداد ۱۸۰ نفر، به تفکیک مساوی جنس در سه رشته علوم انسانی، تجربی و ریاضی انتخاب شدند و الگوهای تفکر آنان، با استفاده از پرسشنامه استاندارد ذهنیت فلسفی کمیلی (۱۳۸۱) به منظور تعیین میزان انعطاف در ذهنیت فلسفی دانش آموزان تیزهوش شهر زاهدان مورد بررسی قرار گرفت. ضریب اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش الفای کرونباخ برابر با ۰/۹۷ محاسبه گردید که حاکی از اعتبار بالای پرسشنامه مورد نظر می باشد. و روایی محتوای پرسشنامه توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفته است.

یافته های پژوهش

قبل از پرداختن به فرضیات پژوهش، برای نرمال بودن توزیع فراوانی متغیرهای پژوهش از آزمون نیکویی برازش کالموگراف-اسمیرنوف استفاده شد، تا نرمال بودن توزیع آن مشخص گردد.

بر این اساس، اگر فرض صفر رد نشود، می توان گفت توزیع مربوط به متغیرها وضعیت نرمالی داشته است و در صورت رد فرض صفر متغیرها از توزیع نرمالی برخوردار نیستند.

جدول ۱: نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن داده ها

نتیجه	سطح معناداری	آماره KS	متغیر
نرمال است	۰/۱۹۵	۲/۵۷	انعطاف در تفکر
نرمال است	۰/۰۹۷	۰/۱۵۶	رها شدن از جمود روانشناختی
نرمال است	۰/۲۵۴	۱/۴۹	ارزش سنجی افکار و نظریات جدا از منبع آنها
نرمال است	۰/۰۷۸	۰/۸۴۵	دیدن مسائل با جهات متعدد

احتراز از پیش داوری و قضاوت سریع ۰/۸۴۶ ۰/۱۲۶ نرمال است

آزمون کالموگراف اسمیرنوف با توجه به مقادیر جدول و سطوح معناداری نشان داد متغیر انعطاف در تفکر و مؤلفه های آن از توزیع نرمالی برخوردار است و با فرض قرار داشتن متغیر در مقیاس فاصله ای می توان آمار پارامتریک را جهت تحلیل به کاربرد.

جدول ۲: نتایج آزمون t تک نمونه ای در خصوص بررسی فرضیات پژوهش

متغیر	N	M	SD	t	df	Sig	Result
انعطاف در تفکر	۱۸۰	۹۶/۳۵	۱۶/۱۹	۷۷/۳۳	۱۷۹	۰/۰۰۰	در حد مطلوب است
رها شدن از جمود روانشناختی	۱۸۰	۱۲/۰۳	۲/۴۴	۴۹/۵۷	۱۷۹	۰/۰۰۰	در حد مطلوب است
ارزش سنجی افکار و نظریات جدا از منبع آنها	۱۸۰	۱۶/۰۱	۲/۷۳	۶۳/۸۹	۱۷۹	۰/۰۰۰	در حد مطلوب است
دیدن مسائل با جهات متعدد	۱۸۰	۱۶/۲۰	۲/۲۱	۵۵/۰۶	۱۷۹	۰/۰۰۰	در حد مطلوب است
احتراز از پیش داوری و قضاوت سریع	۱۸۰	۱۶/۲۷	۲/۹۶	۶۰/۱۳	۱۷۹	۰/۰۰۰	در حد مطلوب است

نتایج آزمون t تک نمونه ای در خصوص بررسی فرضیات پژوهش حاکی از آن است که t محاسبه شده در متغیر انعطاف در تفکر و مؤلفه های آن با درجه آزادی ۱۷۹ و سطح معناداری $\text{sig} = 0/000$ از مقادیر بحرانی جدول در سطح ۹۹ درصد بالاتر است. بنابراین تفاوت مشاهده شده بین میانگین نمونه و میانگین جامعه به لحاظ آماری معنادار می باشد و با ۹۹ درصد اطمینان می توان چنین نتیجه گرفت که وضعیت متغیر انعطاف در تفکر دانش آموزان تیزهوش مقطع سوم متوسطه شهر زاهدان و مؤلفه های (رها شدن از جمود فکری، ارزش سنجی افکار و نظریات جدا از منبع آنها، دیدن مسائل با جهات متعدد و احترام از پیش داوری و قضاوت سریع) در سطح مطلوب و بالاتر از میانگین می باشد. بنابراین فرضیه های پژوهش مورد تأیید قرار می گیرد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اینکه کنجکاوی و تفکر پیرامون افراد سرآمد و تیزهوش سابقه ای بس طولانی و دو هزار ساله دارد و احتمالاً به زمانی برمی گردد که برای نخستین بار انسان علاقه مند شد بداند که چرا انسانها با هم تفاوت دارند (افروز، ۱۳۷۴). با نگاهی به تاریخ گذشته درمی یابیم که جهان به دست افراد معدودی که تفکر خلاقانه و منعطف داشته اند، تغییراتی بنیادی کرده و اکثر پیشرفت های یک جامعه مدیون نوآوری و ابتکار این افراد است. با توجه به این واقعیت بسیاری از متخصصان تربیتی بر این عقیده اند که در دنیای پر تغییر کنونی، آموزش آفرینندگی و تفکر در یادگیرندگان، سنگین ترین و مهم ترین هدف هر نظام آموزشی است (باباعلی، ۱۳۸۷). و همان طور که ذکر شد اسمیت معتقد است افراد دارای تفکر فلسفی دارای سه خصوصیت: جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری هستند، که با در نظر گرفتن مؤلفه انعطاف پذیری در این پژوهش محقق به بررسی انعطاف پذیری در تفکر دانش آموزان تیزهوش و مؤلفه های آن می-پردازد زیرا معتقد است که هدف تعلیم و تربیت آگاه کردن افراد از مسئله های موجود در جامعه، تضاد عقاید و ایجاد روش های مناسب برای مواجهه با این مسائل است. و هدف مورد نظر برای دانش آموزان تیزهوش پرورش انسان هایی متفکر، انعطاف پذیر، منطقی، مؤثر و فیلسوف می باشد.

بنابراین، با الهام از یافته های مرتبط با ویژگی های چهارگانه انعطاف در تفکر فلسفی از نظر اسمیت، که با گویه های مندرج در (جداولدو)، مورد تحقیق قرار گرفته اند، به نظر می رسد، دانش آموزان تیزهوش سال سوم متوسطه نظری زاهدان، از انعطاف قابل قبولی در تفکر، اندیشه و قضاوتهایشان برخوردارند. که این نتیجه با یافته های مهدیار (۱۳۹۳)، اژه ای (۱۳۸۳)، رضانی (۱۳۸۹) و محبوبی و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد.

در پایان، لازم به ذکر است که هدف آموزش و پرورش بایستی پرورش دانش آموزانی باشد که مسائل را با دیدی وسیع و کلی بنگرند و در بررسی امور جوانب مختلف موضوع را مورد بررسی قرار دهند. همچنین باید برنامه درسی برای دانش آموزان تیزهوش تنظیم شود که آنها را قادر سازد تا مسائلی را که در کلاس درس و مدرسه با آن مواجه می شوند با مسائل واقعی زندگی خویش ارتباط داده و از آنها برای حل مشکلات آتی زندگی استفاده کنند. آنها بایستی

یاد بگیرند که سوالهای اساسی بپرسند و درباره آنچه نمی دانند سوال کنند. آنها بایستی یاد بگیرند که به خلق ایده ها و مفاهیم بپردازند و عقایدی را که مسلم فرض می شوند مورد سوال قرار دهند. توانایی کنترل خویش و انتخاب صحیح نیز از دیگر مواردی است که بایستی در خصوص انعطاف در تفکر دانش آموزان تیزهوش و برنامه درسی آنها مورد توجه باشد.

The amount of flexibility in philosophical thought gifted students (Case study: third year high school students in Zahedan)

Naser Zoraghi, Ezatolahe Naderi, Maryam Seyfe naraghi, Mohammade chalajour

Abstract

This study examines the flexibility in philosophical thought students Gifted junior year of high school in Zahedan on Smith's theory is philosophical mindset Study of the nature and method is descriptive survey. The study sample of 360 of gifted students Zahedan in 94-93 school year is the third year of high school That a total of 180 random cluster sampling were selected as sample. Standard Instrument philosophical mindset Komeili (1381) is The validity and reliability study by experts confirmed using Cronbach's alpha was calculated by 97/0 The findings show that in all four instances the attention of Smith, (Release of psychological rigor, measuring the value of thoughts and ideas regardless of their source, Viewing numerous ways and tolerance in judging issues with temporary status are desirable and have achieved flexibility in their thinking.

Keywords: philosophy, flexibility in thinking gifted students.

منابع

فارسی

- افروز، غ. ع. (۱۳۷۴). مقدمه ای بر روان شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اسمیت، ف. (۱۳۸۲). ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی. مترجم: محمدرضا بهرنگی. تهران: انتشارات کمال تربیت.
- اژه ای، ج. (۱۳۸۳). ویژگی های شخصیتی تیزهوشان. تهران: انتشارات نشر سمپاد.
- اسکندری، ح. و کیانی، ژ. (۱۳۸۶). تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه ورزی و پرسشگری دانش آموزان. فصلنامه مطالعات برنامه درسی. شماره ۷. ۱-۳۶.
- باباعلی، ف. (۱۳۸۴). مقایسه سبک های تفکر و رابطه آن با خلاقیت در بین دانشجویان رشته های علوم انسانی و هنر دانشگاه های تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- جهانی، ج. (۱۳۸۶). بررسی تأثیرات آموزش فلسفه به کودکان در رشد منش های اخلاقی دانش آموزان. فصلنامه مطالعات برنامه درسی. شماره ۳۷. ۷-۵۹.
- رضائی، م. (۱۳۸۹). برنامه درسی فلسفه برای کودکان در راستای توجه به ابعاد مختلف ذهنیت فلسفی تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال اول. ۲۱-۳۵.
- ضرغامی، س. (۱۳۸۷). بررسی مقایسه ای آموزش فلسفه و منطق به روش های ادغامی و تفکیکی در دوره متوسطه نظری. وزارت آموزش و پرورش. سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی.
- قائدی، ی. (۱۳۸۲). نقد، بررسی مبانی، دیدگاه ها و روش های آموزش فلسفه به کودکان. رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت معلم.
- قائدی، ی. (۱۳۸۳). آموزش فلسفه به کودکان، بررسی مبانی نظری. تهران: انتشارات دواوین.

- کمیلی اصل، ع. (۱۳۸۱). بررسی ذهنیت فلسفی مدیران شرکت‌های تابعه و وابسته به وزارت نیرو بر عملکرد کارکنان آنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- مرعشی، م. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر روش اجتماع پژوهشی بر پرورش مهارت‌های استدلال در دانش آموزان دختر پایه سوم راهنمایی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی. سال دوم. شماره ۷۹۵-۱۲۲.
- مه‌دی‌ار، ف. (۱۳۹۳). مقایسه سبک‌های تفکر مدیران انتخابی و انتصابی دانشگاه سیستان و بلوچستان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان
- محبوبی، ط؛ عبدالله زاده، اف. و محبوبی، ک. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ذهنیت فلسفی با تفکر انتقادی و باورهای غیرمنطقی در بین مدیران مدارس ابتدایی و متوسطه شهرستان بوکان. فصلنامه روانشناسی تحلیلی- شناختی. سال ششم. شماره ۲۳، ۶۴-۵۷.
- نقیب زاده، م ع ج. (۱۳۷۷). گفتارهایی در فلسفه و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات طهوری.

انگلیسی

- Lipman, M. (1988). **Philosophy Goes to School**. Temple University Press.
- Lipman, M, Sharp. A. M and Oscanyan. F. (1980). **Philosophy in the Classroom**. Philadelphia: Temple University Press.